[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلاة علی خیر خلقه محمد و
آله اجمعین اما بعد فی علم الساعات والاوقات والکواکب
السبعة چنین گوید حکیم ابو جعفر بلخی رحمة الله علیه که چون نوبت
سلطنت و سعادت بسلطان السعید الشهید بهرام شاه رسید جمیع
حکمای عصر را جمع کرد و گفت برای من کتابی در علم وقت و ساعت
سعد و نحس که بدان معلوم کرده آید هر روزی از هفته را چنانکه
بمرور ایام و کرور اعوام باطل نشود جمله حکما بالهام اختیار کردند به
سعیت تالیف این کتاب بی بمقتضای درخواست ایشان
این کتاب را تصنیف تا لایق حضرت سلطانی باشد والله الموفق
والمعین روز یکشنبه اول روز شمس راست وقت
چاشتگاه زهره راست وقت زوال عطارد راست نماز
پیشین قمر را است میان دو نماز زحل راست نماز دیگر
مشتری راست آخر روز مریخ راست روز دوشنبه اول
روز قمر راست چاشتگاه زحل راست وقت زوال مشتری راست

نماز

نماز پیشین مریخ راست میان دو نماز شمس راست نماز دیگر
زهره راست آخر روز عطارد راست **روز سه شنبه** اول روز
مریخ راست وقت چاشتگاه شمس راست وقت زوال زهره
راست نماز پیشین عطارد راست میان دو نماز قمر راست
نماز دیگر زحل راست آخر روز مشتری راست **روز چهارشنبه** اول
روز عطارد راست وقت چاشتگاه قمر راست وقت زوال زحل راست
نماز پیشین مشتری راست میان دو نماز مریخ راست نماز دیگر شمس
راست آخر روز زهره راست **روز پنجشنبه** اول روز مشتری راست
وقت چاشتگاه مریخ راست وقت زوال شمس راست نماز پیشین
زهره راست میان دو نماز عطارد راست وقت نماز دیگر قمر راست
آخر روز زحل راست **روز جمعه** اول روز زهره راست
وقت چاشتگاه عطارد راست وقت زوال قمر راست نماز
پیشین زحل راست میان دو نماز مشتری راست وقت نماز دیگر
مریخ راست آخر روز شمس راست **روز شنبه** اول روز
زحل راست وقت زوال مریخ راست نماز پیشین شمس راست
میان دو نماز زهره راست نماز دیگر عطارد راست آخر روز قمر راست
اما احکام ساعتهای زحل چنان باید دانست که در وقت و ساعت
زحل کار و اسباب خانه و آنچه تعلق با اهل خانه دارد بغایت

نیکوست و جوی کندن و تخم پراکندن کردن در زمین و درخت نشاندن
و دیدن دهقانان و حاجت خواستن از ایشان نیکو بود و خرید و فروخت کردن
و کارهای پوشیده همچون طلسمات نیکو بود اما در حین دخل دیدن پادشاهان
و ملوک و اشراف نامناسب بباشد و حرکت کردن و رگ زدن و حجامت
کردن و بیمار را علاج کردن و دارو خوردن و جنگ رفتن و جامه نو بریدن
و پوشیدن و زن خواستن بغایت بد بود و احتراز باید کردن و هر فرزندی
که در این ساعت از مادر بوجود آید دلالت کند که عمر او دراز باشد و در جهان
مراد خویش بیابد و نیکو روی بود **اما احکام ساعات مشتری** مناسب
بود در این ساعت ابتدای کارهای بزرگ و دیدن علما و زهاد و سلاطین
و امرا و اشراف و دختر خواستن و حاجت طلب کردن و سفر کردن
و جامه نو بریدن و پوشیدن بغایت نیکو بود و رگ زدن و حجامت
کردن و صید و خرید و فروخت کردن خوب بود و فرزندی که در این ساعت
از مادر بوجود آید دلالت کند که عالم و دبیر و بزرگ و از کارهای
بد دور باشد اما مشغول شدن بکار جنگ و فساد و دیدن
اصحاب طرب و فسق و فساد بغایت بد بود **اما احکام ساعات مریخ**
باید دانستن که در این ساعات پوشیدن سلاح و کارزار و سواری
کردن و رگ زدن و حجامت کردن بغایت نیکو بود و صید کردن
و جوی کندن نیک بود اما در این ساعت دیدن ملوک و سلاطین
و بزرگان مناسب نباشد و حاجت خواستن و سفر کردن و جامه
بریدن و پوشیدن نیک نباشد و هر فرزندی که در این
ساعت

ساعت از مادر بوجود آید جمله دو خوبی بینی بود و فاسق و بدفعل و
حریص بر مال دنیا باشد اما احکام ساعات شمس در این ساعت
ابتداء کارهای معظم و دیدن ملوک و سلاطین و امرا و وزراء و
اشراف بغایت نیکو بود و زنان شوهری کردن و جامه بریدن و
پوشیدن و خرید و فروخت کردن و طلسم الفت و محبت کردن
بغایت نیک بود اما سفر کردن و بازرگانی و حرکت و رگ زدن و حجامت
کردن و جوی کندن و طلب حاجت از بزرگان بغایت بد باشد و
هر فرزندی که در این ساعت متولد شود دلالت کند که عمر دراز
یابد و از ملازمان حضرت پادشاه گردد و مالدار و صاحب دولت باشد
اما احکام ساعات زهره در این ساعت دختر خواستن و دیدن
زنان و بازی و عیش و عشرت و درخت نشاندن و بنیاد عمارت
کردن و رگ و حجامت و علاج بیمار و دارو خوردن و جامه نو بریدن
و پوشیدن و بازرگانی و سفر و حرکت و طلسم الفت و محبت بغایت
مبارک و نیکو بود اما در این ساعت فرزند بمکتب دادن و آغاز
مصلحتهای پوشیدن و تعلم کتاب نیکو نباشد و هر فرزندی که در
این ساعت متولد شود دلالت کند که عشرت دوست باشد
و روزگار بعیش و عشرت و شادمانی گذراند اما احکام
ساعات عطارد در این ساعت فرزند بمکتب دادن بغایت نیکو بود
و کتابت و فقه و ادب حاصل کردن مناسب بود و دیدن اصحاب

سه شنبه زهره راست وشب چهارشنبه زحل راست

وشب پنج شنبه شمس راست وشب جمعه قمر راست

وشب شنبه مریخ راست والله تعلیم بحقایق الامور

والاحکام تمت کاتبه کمترین محمد تقی خلف حاجی الحاج

حاجی محمد حسین ساکن کاشانی هر که خواند دعا طمع دارم

زانکه من بنده گنه کار م

۱۲۵۲

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

علم نیکو بود و در کارهای بازیک هم چه علم نحو دهند سه وند کوی و طلسم محبت و الفت نیکو باشد اما فصد و حجامت و جنگ کردن و بمعرکه رفتن و بازرگانی و حسرت کردن و بیمار را علاج کردن و دارو خوردن و جامه نو بریدن و بکارهای پوشیدن مشغول شدن بغایت بد بود هر فرزندی که در این ساعت بوجود آید دلالت کند که عالم و فاضل و یگانه روزگار باشد اما احکام ساعات قمر در این ساعت ایلچی بملکی فرستادن یا چیزی بجایی فرستادن بغایت خوب بود و دیدن ملوک و سلاطین و اشراف و علما و وزرا نیک باشد و تاک نشاندن و عمارت بستانها و زراعت و فصد و حجامت و معالجه بیمار و دارو خوردن و جامه نو پوشیده و بریدن و جوی کندن و طلسم الفت و محبت را نیک باشد اما در این ساعت بر ستمان و حاسدان کفت و کوی و جنگ کردن مناسب نباشد از آن سبب که بدان کسی ظفر یابند و در خواستن و با کسی خویشی کردن نیک نباشد هر فرزندی که در این ساعت در وجود آید دلالت کند که عمر دراز باشد و صاحب دولت باشد اما انچه در حکم روز هفته بود ذکر کرده شد و شبهای هفته را بباید دانست بدانکه شب یکشنبه عطارد را است و شب دوشنبه مشتری راست و شب

اسامی مطلوبست از اهی و ولایات که هر یک مشتملست بر بلاد چنانکه در زیجاتست

ارض مغرب بربر اندلس سودان مغرب مصر یمن حجاز شام روم

عمان عرب عراق عجم فارس جزایر بلغار ارمینیه اذربایجان الان

کوجستان شیروان روس دیلمان کیلان طبرستان که اهل قصبه آنست خراسان

خوارزم ما وراء النهر ترکستان هر کرمان زابلستان که سیستان ولیت است

مکران هندوستان تمت

انا الله

از جمله دوایر عظام یکی دیگر دایره نصف النهار است
و آن عظیمه است که بر قطب افق و بر دو قطب معدل النهار کذرد
و نصف النهار افق را تنصیف کند بدو نقطه یکی بقطب
شمالی نزدیکتر بود نقطه شمالی کویند و دیکری را نقطه
جنوب و نقطه واصل میان و واصل این دو نقطه را خط
نصف النهار کویند و دو قطب او دو نقطه مشرق و مغرب
باشد و منطقه البروج را تنصیف کند بدو نقطه یکی را که
فوق الارض است عاشر و وتد العاشر و دیکری را که تحت الارض
است رابع و وتد الارض کویند و نیز تنصیف کند هر یک
از نصف ظاهر و نصف خفی از معدل النهار و قوس دایره
که میان قطب معدل و دایره افق یا میان قطب افق و دایره معدل
افتد از جانب اقرب افق عرض بلد کویند و عظیمه دیکر
دایره مشرق و مغرب است و دایره اول السموت
نیز کویند و آن دایره عظیمه بود که بر دو قطب افق و
بر دو قطب نصف النهار کذرد و
و عظیمه دیکر دایره عرض اقلیم رویت است و آن عظیمه
بود که بر دو قطب فلک البروج و بر دو قطب افق کذرد
و دو قطب او دو نقطه طالع و غارب باشد و او تنصیف
کند هر یک از نصف ظاهر و نصف خفی از فلک
البروج را و قوسی از این دایره که میان افق و قطب فلک
البروج و قطب افق افتد از جانب اقرب افق عرض
اقلیم رویت یا رایت کویند تمت